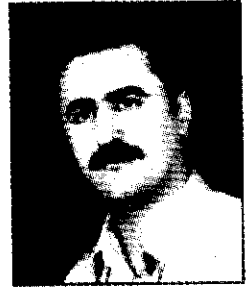


اصطلاحات خوشنویسی

دیوان حافظ



که آزاد محمودی - فارغ التحصیل خوشنویسان ایران و دانشجو کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

شکسته نستعلیق را در قرن های بعد ایجاد کرده اند. در چنین روزگاری خواجهی شیراز اشعار گهربار خود را می سراید.

و اینک نمونه هایی از آیات مذکور

الف - بیت:

دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست

وز آن خط چون سلسله دامی نفرستاد
یادآور خط مسلسل از مشتقات خط ثلث است که به دلیل پیوند
زنجیری و اتصالات حلقه مانندی که بین حروف و کلمات آن وجود
دارد گاهی به گیسوی حلقه حلقه ی معشوق و گاهی هم به موی تازه
روییده بر رخسار یار تشبیه می شود خواندن خط مسلسل به دلیل
بافت و طراحی خاص آن مشکل است چنان که مولانا نیز در دیوان
شمس می فرماید:

دل را ز من بیوشی یعنی که من ندانم

خط را گوی مسلسل یعنی که من نخوانم
قابل ذکر است هم چنان که پیش تر شارحان نوشته اند مخاطب
حافظ در غزل مورد اشاره شاه شجاع است که خود خطی خوش به
شیوه ی یاقوت می نوشته است.

بر گل روی تو آن خال معنبر که نشاند

بر مه عارضت آن خط مسلسل که نوشت
خواجهی کرمانی

خطی مسلسل شیرین که گر بیارم گفت

به خط صاحب دیوان ایلخان ماند
سعدی

(یادآور این مطلب که از خط مسلسل کثر مکاتبات و مراسلات
دولتی استفاده می شده است.)

توقیع سماکها مسلسل که رامج بوده گاه اعزل

نظامی - لیلی و مجنون
بدان جام از آن جا که پیوند بود مسلسل کشیده خطی چند بود

نظامی - شرفنامه
(بیت فوق اشاره به زمانی است که اسکندر از بلیناس دانا

می خواهد راز جام جهان بین را بازجوید.)

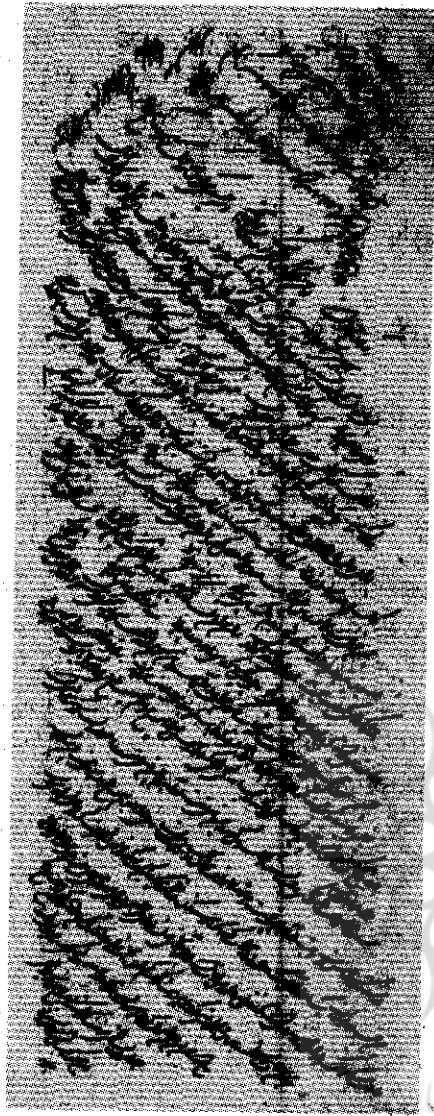
شکی نیست خواجه شمس الدین محمد حافظ با دانش ها و هنرهای گوناگون روزگار خویش آشنا بوده است. دیوان این شاعر بزرگ دربرگیرنده ی بسیاری از اصطلاحات کلّامی عرفانی و هنری است که به وسیله ی شارحان توانمند تجزیه و تحلیل شده است. اما از جمله زمینه هایی که نه تنها در شعر حافظ بلکه در شعر شاعران دیگر نیز ارزیابی دقیق نشده، اصطلاحات مربوط به هنر خوشنویسی است. به همین جهت در این مقاله ضمن اشاره یی بسیار کوتاه به وضعیت خوشنویسی در عصر حافظ به شرح بعضی از اصطلاحات این هنر در دیوان حافظ خواهیم پرداخت.

در یک نگاه کلی، قرن هشتم دوره یی است که بر اثر تلاش چند صد ساله ی خوشنویسان بزرگ گذشته چون ابن مقله ابن بواب و یاقوت مستعصمی اقلام شش گانه ی محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع به نقطه ی اوج و حد کمال خود رسیده بود. در حقیقت روزگاری که حافظ در آن می زیسته یکی از پرفرورترین دوره های رواج خوشنویسی است و در آن خوشنویسان بزرگ و بلندآوازه یی چون خواجه عبدالله صیرفی [شاگرد یاقوت مستعصمی] و صاحب رساله ی گلزارصفا معاصر حافظ بوده اند.

پادشاهان و حکمرانان معاصر حافظ نیز در کشورهای مختلف اسلامی مانند ایران، عراق، ترکیه و هند، همگی به خوشنویسی اهمیت می داده اند و گاه خود و فرزندان شان نیز جهت فراگیری این هنر نزد استادان خوشنویس تلمذ می کردند و تعدادی از آنان مانند ابراهیم میرزا از خوشنویسان بنام و مشهور زمان خود نیز شدند. البته حمایت پادشاهان و بزرگان مظفری جلایری، تیموری، عثمانی و... از خوشنویسان این دوره خود یکی از بزرگترین دلایل رونق خوشنویسی در این روزگار بود. حتا گاهی این حمایت و توجه به گونه یی بود که پادشاهان شخصاً چراغ یا دوات به دست می گرفتند تا خوشنویسان قطعه یی را خوشنویسی کنند.

به هر حال در این سده به دلایل مختلف خوشنویسی پیشرفت شایانی کرده است و خطاطان آثار گران بهایی از خطوط شش گانه بر جای گذاشته اند و به تدریج زمینه ی پیدایش خطوط تعلیق، نستعلیق و

مسلسل گشتن زلف چو دالت
اوجدی مراغمای



نمونه‌ی خط مسلسل (خط استاد حبیب‌الله فضائلی)^۲

(متن نوشته شده: من هدم الشهوات عز فی الدنيا و الآخرة و من
حفظ اللسان نجا فی الدنيا و صلی الله علی النبی محمّد و آله الطاهرین)

ب - در ابیات:

گر دست دهد خاک کف پای نگارم

بم لوج بصر خط غباری بنگارم
غبار خط ببوشانید خورشید رخس یارب
بقای جاودانش ده که حسن جاودان دارد

اشاره‌ی حافظ به خط غبار است که ریزترین نوع خط و در شعر
گاهی تعبیری از موسی تازه‌زوییده بر غارض نوجوانان است. وجه
تسمیه‌ی آن یا به مناسبت ریزی بسیار و مشابهت آن به ذرات ریز
گرد و غبار است و یا سبب خوانده شدن این خط همان گونه که
هنگام برانگیخته شدن گزند و غبار قدرت دید انسان نیز ضعیف
می‌شود و چشم به زحمت اجسام را می‌بیند.

البته در روزگار حافظ تنها به خط تلفی که در غایت نازکی و
ریزی نوشته می‌شد غبار می‌گفته‌اند، اما امروزه به هر نوع خط بسیار
ریز غبار می‌گویند. استاد غلام‌حسین امیرخانی اندازه‌ی تقریبی قلم
غبار را از کوچک‌ترین اندازه تا نیم میلی‌متر مشخص نموده‌اند.^۳

از خط غبار ابتدا در امور سری و نوشتن نامه‌هایی که بر بال
کیبوتران می‌بستند استفاده می‌شده است. قلقتندی معاصر حافظ در
کتاب صبح الاعشی که در اواخر قرن هشتم نگاشته شده است، در
مورد این خط می‌گوید: «خط غبار را قلم جناح نیز نامند و نامه‌هایی
را که با کیبوتر فرستاده می‌شد بدین خط می‌نوشتند.»^۴ اما بعدها از
این خط در آفرینش آثار زیبایی هنری و تزیین آثاری که با حروف
درشت نوشته می‌شد استفاده کرده‌اند. گاهی نیز از خط غبار برای
نوشتن سوره‌های کوچک قرآن بر روی دانه‌های برنج یا گندم
استفاده شده است.

ز خط سبز تو نسجم خوش آمدی و کنون

خط غبار تو از آن نکوتر آمده است

خواجوی کرمانی

به مشک سوده‌ی محلول در عرق ماند

که بر حریر نویسد کسی به خط غبار

سعدی

خاک ما نامه‌ها به چایب یار

می‌نویسد ولی به خط غبار

بیدل دهلوی

نمونه‌ی خط غبار (خط درویش عبدالمجید)^۱

ج - در بیت:

کسی که حسن و خط دوست در نظر دارد

محقق است که او حاصل بصر دارد

در این بیت به صورت ایهام تناسب یادآور خط محقق است
که آن را ابن‌مقله از خط کوفی استخراج کرده است.^۵ در این خط
حروف و کلمات در بافتی محکم بدون تداخل در یک‌دیگر و با
اندازی درشت نوشته می‌شود و دنباله‌های کشیده‌ی حروف به
شمره‌های^۶ تند و تیز ختم می‌گردد. خط محقق به جهت نوشته شدن
حروف به صورت کامل و صحیح بیش‌تر مورد استفاده‌ی و زاقان قرار
می‌گرفته است.

بت پرستان را محقق شد که این خط غبار

از پی نسخ بتان سومنات آورده‌ای

خواجوی کرمانی



در این بیت میان محقق غبار و نسخ که همه از انواع خط هستند تناسب برقرار است.)

خطی که مردم چشمم نوشته است جو آب

محقق است که او این مقله‌ی ثانی است

خواجوی کرمانی

(واژه‌ی محقق دارای ایهام است، ضمن آن که بین محقق و ابن

مقله هم تناسب وجود دارد.)

د - در بیت:

همیشه تا به بهاران هوا به صفحه‌ی باغ

هزار نقش نگارد ز خط ریحانی

حافظ

در این بیت اشاره به خط ریحان از مشتقات خط محقق است.

این خط نیز مانند دیگر خطها گاهی در شعر به مفهوم موی تازه‌دمیده بر رخسار نوجوانان است. وضع آن را هم به ابن مقله و هم به ابن‌بواب نسبت داده‌اند. قواعد خط ریحان مانند قواعد خط محقق است، با این تفاوت که میزان دوز حروف در ریحان بیش‌تر و شکل حروف و اندازه کلمات خردتر و با ظرافت بیش‌تر است. خط ریحان بیش‌تر از دیگر خطوط مورد توجه شاعران بوده است و معمولاً برای نوشتن قرآن و ادعیه از آن استفاده می‌کرده‌اند.

وجه تسمیه‌ی آن - مشابهت نازکی این خط با لطافت و نازکی گل و برگ‌های ریحان است. چون حروف و کلمات در خط ریحان آشکار و خواناست آن را خط جای نیز نامیده‌اند. هم‌چنین اگر در این خط در عرض حروفش اقسام گل‌ها نگارند آن را خط گلزار نیز می‌گویند.^{۱۱} حافظ در بیتی دیگر می‌فرماید:

زین خوش رقم که بر گل رخسار می‌کشی

خط بر صحیفه‌ی گل و گلزار می‌کشی

و یا خواجوی کرمانی می‌فرماید:

هندویی را باغبان سوی گلستان می‌فرستد

یا به یاقوت تو سنبل خط ریحان می‌فرستد

الخط الحرفی وهو من طرز الخطوط من حيث ان الحرف منسوخ
ومنه لا يخلو من الحرف الذي لا يخلو من الحرف منسوخ
الخط الحرفی وهو من طرز الخطوط من حيث ان الحرف منسوخ

نمونه‌ی خط ریحانی:^{۱۱}

ه - در بیت‌های ذیل از حافظ:

یا مبسمایحاکمی درجا من اللالی

یارب چه در خور آمد گردش خط هلالی

بر آن نقاش قدرت آفرین باد

که گرد مه کشد خط هلالی

ترکیب خط هلالی را شاعران دیگر به‌کار نبرده‌اند. استاد بزرگوار

آقای خطیب رهبر این ترکیب را در کتاب حافظ خویش به‌معنی

خط منحنی سبزه‌ی عذار شرح داده‌اند، اما شاید بتوان خط هلالی را خط منسوب به خوشنویس بزرگ ابوالحسن علاء‌الدین علی بن هلال مشهور به ابن‌بواب (متوفی ۴۲۳) نیز در نظر گرفت که البته در شعر تعبیری از سبزه‌ی عذار می‌باشد.

قابل ذکر است که ابن‌بواب در میان شاعران به ابن‌هلال نیز مشهور است، چنان‌که ابوالعلاء معری شاعر مشهور عرب در یکی از ابیات خود درخشیدن هلال ماه را به حرف نون کتابت ابن هلال (ابن بواب) که با آب زر نوشته شده باشد، تشبیه کرده است:

و لاح هلال مثل نون اجادها

بماء التصار الکاتب ابن هلال^{۱۲}

و - در این بیت از حافظ:

بیاض روی تو را نیست نقش در خور از آنک

سوادی از خط مشکین بر ارغوان داری

سواد و بیاض از قواعد خوشنویسی است و منظور از آن رعایت و سنجش سیاهی خط یا مقدار سفیدی آن است و در این بیت با نقش و خط مشکین تناسب دارد.

ز - در این بیت از حافظ:

کلک تو خوش نویسد در شان یار و اغیار

تعویذ جانفزیایی افسون عمرکامی

شان یکی از قواعد دوازده‌گانه‌ی خوشنویسی است که در بیت با کلک و خوش‌نوشتن ایهام تناسب دارد. قواعد دوازده‌گانه خوشنویسی از این قرار است:

۱- ترکیب؛ ۲- کرسی؛ ۳- نسبت؛ ۴- ضعف؛ ۵- قوت؛ ۶- سطح؛ ۷- دور؛ ۸- صعود؛ ۹- نزول؛ ۱۰- اصول؛ ۱۱- صفا؛ ۱۲- شان.^{۱۳}

شان آخرین کیفیت است که چون در خطی به‌وجود آید نویسنده را آن چنان مسحور تماشای خط خویش کند که دیگر نخواهد جز آن به صنعت دیگری بپردازد.^{۱۴}

ح - این ابیات از حافظ:

مطبوع‌تر ز نقش تو صورت نیست باز

طغرانویس ابروی مشکین مثال تو

امید هست که منشور عشق‌بازی من

از آن کمانچه‌ی ابرو رسد به طغرای

هلالی شد تنم زین غم که با طغرای ابرویش

که باشد مه که بنماید ز طاق آسمان ابرو

اشاره به خط طغرای می‌کند که در گذشته از آن برای نوشتن

القب پادشاهان در بالای احکام استفاده می‌کرده‌اند و کسی که طغرای را می‌نوشته طغرانویس، طغراکش و یا طغرای می‌خوانده‌اند. این خط را معمولاً با آب طلا می‌نگاشته‌اند، چنان‌که مولانا نیز به زرین بودن آن اشاره دارد:

زرین شده طغرای او ز انا فتنه‌های او

سرکرده صورت‌های او از بحرجان آبگون



ط - در این بیت از حافظ:

چو من ماهی کلک آرم به تحریر

تو از نون و القلم می پرس تفسیر

اضافه‌ی تشبیهی ماهی کلک یکی از اصطلاحات خوشنویسی در مورد تراشیدن قلم است.

خوشنویس و محقق معاصر استاد فضائلی با رسم شکلی به نقل از کتاب **فوائد الخطوط** تألیف محمد بن دوست محمد بناری می نویسد:^{۱۷}

«قلم را باید مشابه حوت (ماهی) تراشید تا **دَنْبُ الْحَوْتِ** (دم ماهی) ظاهر شود و تمامی تراش قلم مشابه به حوت باید.»

ی - در بیت «چو من ماهی کلک آرم به تحریر» و هم چنین در

ابیات دیگری از حافظ:

افسوس که شد دلبر و در دیده‌ی گریان

تحریر خیال خط او نقش بر آب است

آن چه در مدت هجر تو کشیدم هیئات

در یکی نامه محال است که تحریر کنم

تلویحاً اشاره به خط تحریر می کند و آن خطی است که به طور سریع و برای نامه نگاری و انجام امور عادی زندگی نوشته می شود که باید خوانا، زیبا و تقریباً ریز باشد. در شعر بیش تر شاعران، خط تحریر و نامه در کنار هم آمده است از جمله:

از پس تحریر نامه کرده ام مبدأ به شعر

معجز آوردن به مبدأ برتابد بیش از این

حافانی

شناسای معانی موبد پیر

چنین کرد این خبر در نامه تحریر

امیر خسرو دهلوی

خط تحریر را نباید خطی جداگانه و علی حده در نظر گرفت، چرا که هر کدام از انواع خطوط را می توان به صورت تحریر نوشت، اما معمولاً در هر دوره‌ی از خطی که در آن دوره رواج بیش تری داشته و بتوان آن را سریع نوشت، برای تحریر استفاده می شده، همان گونه که امروزه نستعلیق و شکسته نستعلیق در این زمینه کاربرد بیش تری دارد.

در قدیم چون خط تحریر را با وسایل نوک پهن می نوشتند، تغییرات ضخامت نیز در آن ها دیده می شود، در حالی که امروزه در اثر استفاده از وسایل نوک تیز مانند خودکار، خودنویس، روان نویس و... خطوط تحریر نوشته شده فاقد تغییرات ضخامتی است.

هم چنین در گذشته خوشنویسان اصطلاح صورت تحریر پیدا کردن را برای خطی که زیبایی و خوانایی اولیه را می یافته به کار برده اند، چنان که خوشنویس بزرگ **میر علی هروی** در مورد رنجی که برای تعلیم یکی از شاگردانش متحمل شده چنین می گوید:^{۱۸}

بهر تعلیم او دلم خون شد

تا خطش یافت صورت تحریر

در **خط طغرا** کلمات درشت در هم پیچیده و تودرتو نوشته می شود و انتهای بعضی از حروف با قوس و انحناهای خاص به صورت هماهنگ و منظم در یک یا چند جهت کشیده می شود. چنین شکلی موجب می شود خط طغرا طرحی امضاگونه به خود بگیرد. به همین جهت در حال حاضر از این خط به عنوان امضای اشخاص یا نشان و آرم سازمان های مختلف نیز استفاده می شود و البته گاهی هم صرفاً از جهت زیبایی به این شکل نوشته می شود. واژه‌ی طغرا بسامد بالایی در شعر دوره های گذشته به خصوص در شعر خاقانی دارد و شاعران معمولاً خط طغرا را به ابروی یار تشبیه کرده اند و این به جهت وجود تشابه میان قوس و کمان حروف طغرا و ابروی زیبارویان بوده است.

گر به دیوان قیامت بردنت باید حساب

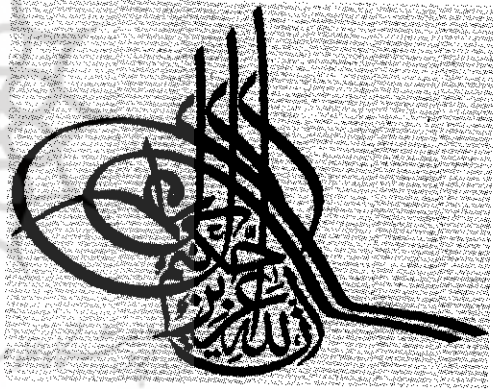
بر سر طومارها طغرای دیوانی چه سود

اوحدی مراغه‌ای

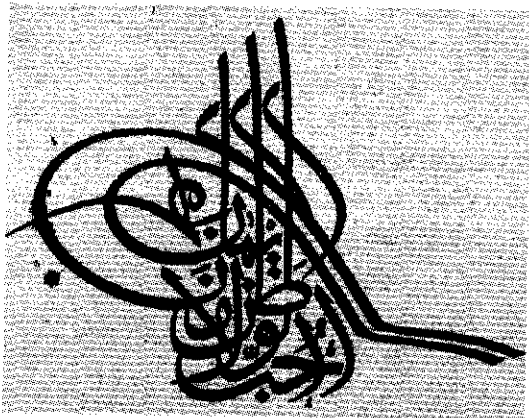
طول منشور بقای ابدی را چه کنم

خم ابروی تو آش گر نکند طغرای

وحشی بافقی



نمونه‌ی خط طغرا (عزیزالدین وکیلی خطاط هفت قلمی افغانستان)^{۱۵}



خط عزیزالدین وکیلی خطاط هفت قلمی افغانستان)^{۱۶}



ک - در این ابیات از حافظ:

گر چنین چهره گشاید خط زنگاری دوست

من رخ زرد به خونابه منقش دارم

لطیفه‌ای ست نهانی که عشق از او خیزد

که نام آن نه لب لعل و خط زنگاری ست

زنگار مانند شنگرف از جمله مواد رنگی ست که خوشنویسان

گذشته برای کتابت یا رنگ کردن کاغذ از آن استفاده می کرده‌اند. در

بیش‌تر رساله‌های خوشنویسی مانند *مدادالخطوط* اثر میرعلی

هروی، *گلزار صفا* اثر خواجه عبدالله صیرفی، *قانون الصور* اثر

صادقی بیگ و... طریقه‌ی ساختن زنگار (زنگار) آمده است. به‌عنوان

نمونه ساختن زنگار در *مدادالخطوط* این گونه بیان شده است:

«یک رطل نوشادور و نیم رطل خرده‌ی مس در کاسه‌ی کرده و

سرکه‌ی انگور بسیار تند در او ریخته با چوبی که سر آن چون پای

شتر باشد صلایه کند تا وقتی که زنگار گردد. نوع دیگر خرده‌ی مس

و سرکه‌ی انگور کهنه‌ی تند برابر یک‌دیگر به هم آمیخته، در چاه

آب آویزند تا چهل روز بر او بگذرد، پس چون بیرون آورند زنگار باشد

در نهایت خوبی و اگر به عوض سرکه آب ماست گوسفند کنند شاید.

و چون خواهند که آن را حل کنند و با آن کتابت کنند، در کاسه‌ی

چینی با صمغ و انزروت حل کرده به کار برند.»

خط زنگاری در شعر فارسی بیش‌تر در مفهوم موی تازه رویداده

بر رخسار خوب‌رویان به کار می‌رود.

مثال‌هایی از شاعران دیگر:

در *سواد شام تازی مشک تاتاری* که یافت

بر بیاض صبح صادق خط زنگاری که دید

به گرد آیه‌ی توحید گل صحیفه‌ی باغ

ز سبزه چون خط زنگار شاهدان تذهیب

شهریار

ل - در ابیات زیر از حافظ:

گر دیگری به شیوه‌ی حافظ زدی رقم

مقبول طبع شاه هنرپرور آمدی

زین خوش رقم که بر گل رخسار می‌کشی

خط بر صحیفه‌ی گل و گلزار می‌کشی

رقم‌زدن یا رقم‌کردن از اصطلاحات رایج میان خوشنویسان

گذشته و در حقیقت بالاترین مرتبه‌ی بوده که هنرجوی خط وقتی

پس از سال‌ها تمرین و کسب مهارت به دریافت آن نائل می‌شده

اجازه‌ی نوشتن نام واقعی یا نام متسعار و یا لقب خود را ذیل قطعاتی

که خوشنویسی می‌کرده با عباراتی چون *کته، سوده، مشقه* و...

می‌یافته است.

در این مرحله که در حقیقت به منزله‌ی پایان تحصیلات هنرجو

بوده، گاهی سندی مشابه اجازه‌نامه نیز تنظیم می‌شده و استاد با ذکر

شرایطی آن را به هنرجو اعطا می‌کرده است. در سندی به‌جامانده از

سال ۱۱۹۸ هـ / ۱۷۷۵ م. چنین آمده است:

«به شرط آن که کلمه‌ی واحد را به دو بخش تقسیم نکند و بر

دو سطر ننویسد، همواره پس از ذکر نام شریف پیامبر اکرم عبارت

(صلی‌الله علیه و سلم) را بنویسد خود را با تکبیر بالاتر از همتایان خود

قرار ندهد اجازه‌ی رقم‌زدن کتب را به وی اعطا کردم.» در چنین

شرایطی گاهی استاد لقبی را نیز به هنرجو اعطا می‌کرده است و یا

رقم خود را در زیرنوشته‌های او و برای تأییدش می‌نگاشته است.

چند مثال از دیگر شاعران:

دییاجه‌ی خوبی ورق روی منیرت

عنوان شگرفی رقم خط سیاهت

اوحدی مراغه‌ای

طراز آفرین بستم قلم را زدم بر نام شاهنشاه رقم را

نظامی

هم‌چنین باید گفت: عبده یا العبد اصطلاحی است که بیش‌تر

خوشنویسان در رقم خود به کار برده‌اند.

م - در این بیت از حافظ:

درون خلوت کروبیان عالم قدس

صریر کلک تو باشد سماع روحانی

صریر از اصطلاحات خوشنویسی است و منظور از آن صدایی

است که هنگام رانده‌شدن قلم بر کاغذ به‌خصوص هنگام نوشته‌شدن

حروف کشیده ایجاد می‌شود. این صدا در کلاس‌های خوشنویسی که

چند نفر هم‌زمان با قلم نی می‌نویسند فضای خاصی ایجاد می‌کند و

حتا گاهی بعضی از اصاتید با توجه به میزان امتداد صریر قلم

هنرجویان در مورد درستی یا نادرستی حروفی که آنان می‌نویسند

بدون دیدن خطشان اظهارنظر می‌کنند.

در گذشته برای دبیران دیوان قلم‌های محکم و در اصطلاح

گوشت‌دار انتخاب می‌کرده‌اند تا با ایجاد صدای بیش‌تر هنگام نوشتن

شکوه و حشمت آن‌ها و طبعاً دیوان شاه افزون‌تر شود. چنان که در

نوروزنامه چنین آمده است:

«گفت آن قصب که با نیرو بود دبیران دیوان را شاید که قلم به

قوت رانند تا صریر آرد و نبشتن ایشان را حشمت بود.»

شاعران صریر قلم را در شعر معمولاً به نفع صور اسرافیل،

نغمه‌ی آلات موسیقی و گاهی نیز آن را ناله‌ی قلم می‌خوانند.

مثال از دیگر شاعران:

بشنو ای گوش بر فسانه‌ی عشق

از صریر قلم ترانه‌ی عشق

بانگ صریر از قلم سحر کار

خواست که بسم‌الله دستی بیار

جامی - هفت اوزنگ

صریر کلک تو را روزگار در تسخیر

مسیر تیغ تو را کاینات در فرمان

عبید زاکانی

عز او خواهد ز ایزد مرغ از آن ساز و نوا

مدح او راند به کاغذ کلک از آن دارد صریر

سنایی



ن - در این بیت از حافظ:

گو دلم حق وفا با خط و خالت دارد

محترم‌دار در آن طره‌ی عنبر شکنش

میان طره و خط تناسب برقرار است، چرا که طره از مصطلحات خوشنویسی است. در بیش تر خطوط به خصوص قلم‌های شش گانه که در دوره‌ی حافظ کاملاً رایج بوده‌اند، ابتدای بعضی از حروف دارای زائیده‌ی کوتاه و تیزی به طرف پایین است که آن را در اصطلاح طره یا سرک و در زبان عربی ترویس می‌نامند. طره؛ نقش زلف حروف را دارد و در زیبایی آن‌ها در خطوط مختلف تأثیر بسزایی دارد. در خط تعلیق و دیوانی طره‌ی الف افراشته‌ی طاء؛ ابتدای کاف و لام در سمت چپ و در خطوط محقق، ریحان، ثلث، توفیق، اجازه و رقاع در سمت راست قرار دارد. در خط نستعلیق هیچ کدام از حروف با طره نوشته نمی‌شود. در خط نسخ فقط افراشته‌ی حروف طاء گاهی یا طره نوشته می‌شود و بالاخره در خط شکسته نستعلیق فقط حرف الف آن هم زمانی‌گه به حرف دیگری متصل شود با طره‌ی در سمت چپ می‌تواند نوشته شود.

چند مثال از دیگر شاعران:

تو را که طره‌ی مشکین و خط زنگاری ست

چه غم ز چهره‌ی زرد و سرشک گلناری ست

خواجو

ز مرز نگوش خط نو دمیده بسی دل را چو طره سر بریده
نظامی - خسرو و شیرین

س - در این بیت از حافظ:

دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم

نقشی به یاد خط تو بر آب می‌زدم

استاد ارجمند آقای خرمشاهی در کتاب ارزشمند حافظ‌نامه با

اشاره به ایهام در (نقش بر آب زدن) دو مفهوم برای آن بیان کرده‌اند: الف - تصویری از تو و به یاد خط تو بر آب (= اشک) ظاهر می‌گردید. ب - کار بیهوده می‌کردم.

شاید بتوان برای آن مفهوم سومی نیز در نظر گرفت و آن این که حافظ خواسته خطی را که از پایین آمدن اشک بر رخسارش ایجاد شده است به خط (= سوی عذار) رخسار یار تشبیه کند و البته خطاطی کردن اشک بر صفحه‌ی رخسار تصویری است که در شعر دیگر شاعران نیز سابقه دارد. از جمله:

از اشک دیده بر ورق روی چون زرم

گویی مگر به سیم کشیدند باب‌ها

اوحدی مراغه‌ای

خطی که مردم چشمم نوشته است چو آب

محقق است که او این مقله‌ی ثانی است

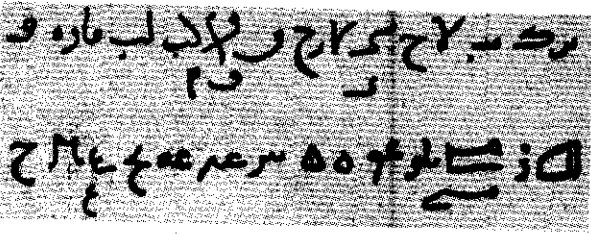
خواجو

ف - در بیت:

اگر باور نمی‌داری رو از صورتگر چین پرس

که مانی نسخه می‌خواهد ز نوک کلک مشکینم
حافظ

قابل ذکر است که مانوی‌ها دارای خطی بوده‌اند که کتاب‌های خود را با آن می‌نوشته‌اند که استاد راهجیری خوشنویس و محقق نامدار معاصر نمونه‌ی از خط مانی را در کتاب ارزشمند تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران آورده است.



نمونه‌ی خط مانی

اوحدی مراغه‌ای نیز در یکی از ابیات خود به این خط اشاره کرده است و می‌گوید:
ای به تحریر دفتر و نامه آزری نقش و مانوی خامه
اوحدی مراغه‌ای - جام جم

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ابیات از دیوان حافظ تصحیح قزوینی و غنی نقل شده است.
- ۲- آن ماری شیمل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه‌ی دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۹۹، به نقل از تحفه‌ی خطاطین مستقیم‌زاده سلیمان سعدالدین افندی، استانبول، ۱۹۲۸، ص ۲۲۵.
- ۳- حبیب‌الله فضالی، تعلیم خط، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۹۵.
- ۴- غلام‌حسین امیرخانی، آداب الخط امیرخانی، انتشارات انجمن خوشنویسان ایران، تهران، ۱۳۷۱، ص ۵.
- ۵- ابوالعباس احمد بن علی القلقشندی، صبح الاعشی فی کتابه الانشاء، قاهره، ۱۹۱۳، ص ۱۳۲.
- ۶- مجموع پریشانی، دفتر اول مجموعه‌ی قطعات نستعلیق و نسخ و شکسته، به کوشش علی حصوری، انتشارات جاززاده، تهران، ۱۳۶۲، ص ۹۶.
- ۷- وضع خط محقق و ریحان را هم به این مقله و هم به این بواب نسبت داده‌اند.
- ۸- شماره یا تسمیر در اصطلاح خوشنویسی باریک و منعطف گرداندن آخر حروف است.
- ۹- فرهنگ نفیسی، ذیل مدخل «خط جلی» و «خط ریحان»، ص ۱۳۷۷.
- ۱۰- غیبات‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف‌الدین رامپوری، غیبات‌اللفات، به کوشش منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۲۶.
- ۱۱- حبیب‌الله فضالی، تعلیم خط، ص ۲۹۱.
- ۱۲- ابن بواب علی بن هلال خوشنویس بزرگ قرن چهارم هجری، ششمین نمایشگاه قرآن کریم، همایش بزرگداشت ابن بواب، ص ۳۴.
- ۱۳- علی راهجیری، تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، کتابخانه‌ی مرکزی تهران، ۱۳۳۹، ص ۱۱۳.
- ۱۴- همان، ص ۱۱۶.
- ۱۵- هزینته‌الاشرف، مجموعه‌ای از خطاطی امروز افغانستان به قلم عزیزالدین وکیل خطاط هفت قلمی، انتشارات کتاب فرزانه، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۶۳.
- ۱۶- همان، ص ۶۲.
- ۱۷- حبیب‌الله فضالی، تعلیم خط، ص ۶۱.
- ۱۸- آن ماری شیمل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ص ۸۰.
- ۱۹- خواجه میرعلی هروی، مدادالخطوط، انتشارات یساولی، ثبت شده به شماره ۱۱۶۸ مورخ ۳۵/۹/۳۵، کتابخانه‌ی ملی، فصل چهارم در ساختن زنگار.
- ۲۰- آن ماری شیل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ص ۷۹.
- ۲۱- لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل مدخل صریح.
- ۲۲- علی راهجیری، تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، ص ۲۶.

